جلال متینی

تحفة الغرائب
منسوب به محمّد بن ایّوب الحاسب طبری[1]

از آثارِ ناشناختهٔ قرن پنجم هجری

در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران که به‌کوشش استادِ محترم آقای محمدتقی دانش‌پژوه بچاپ رسیده، دو رسالهٔ خطی به‌نامِ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

---

[1] ابوجعفر محمدبن ایوب‌الحاسب‌الطبری ازعلمای نامدار ایران درقرن پنجم هجری است. درباب عصر زندگی وتألیفات وی مطالعاتی درچهل‌سال اخیر صورت‌گرفته‌است وباآنکه برخی او را در شمارِ عالمان قرن چهارم هجری می‌دانستند ، تحقیقاتی که اخیراً دربارهٔ او بعمل آمده‌است نشان‌می‌دهد وی «معاصر الب‌ارسلان وملکشاه سلجوقی بوده ولااقل در ربع قرن از ٤٦١ تا بعداز ٤٨٥ (سال درگذشت ملکشاه) فعالیت علمی داشته، وحتی آقای لازار معتقداست که زیج مفردرا درفاصلهٔ میان ٤٧٩ تا ٥٠٢ تألیف کرده‌است». ازاین مرد تاکنون نُه‌کتاب ورساله به‌نامهای: مفتاح‌المعاملات، کتاب‌العمل والالقاب ، شش فصل در اسطرلاب ، شمارنامه، زیج مفرد، رسالهٔ استخراج درشناختن عمر وبقای‌آن، المونس فی‌نزهة اهل‌المجلس رسالهٔ قواعدی چند درمعرفت هرحرکت وقوسی ودایره‌ای وخطی ونقطه‌ای که منجمی درآن اعمال‌کند، رساله‌درمقدمات اختیارات درسیارات سبعه شناخته و معرفی شده‌است . برای تفصیل بیشتر خوانندهٔ محترم را به‌مقدمهٔ ممتّع دوست دانشمندم‌آقای دکتر محمدِ امین ریاحی برکتاب مفتاح‌المعاملات که به‌تصحیح ایشان ازطرف بنیاد فرهنگ ایران بچاپ رسیده
←

تحفة‌الغرائب معرفی‌شده‌است که هررساله مشتمل بر ۲۷ باب‌است و نامِ مؤلف‌آنها معلوم‌نیست[۲]. نگارندهٔ این‌سطور تنها با نامِ این‌کتاب – آن هم از طریقِ همین فهرست – آشنایی داشت ، تا اینکه در تابستان گذشته که بمنظورِ مطالعهٔ نسخه‌های خطیِ فارسی مضبوط درکتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی به‌برخی ازجمهوری‌های این‌کشور مسافرت‌کرد، درضمن بازدید ازنسخه‌های خطی انستیتوی شرق‌شناسی تاشکند ، ازبکستان ، به مجموعه‌ای نفیس بشمارهٔ ۲۲۱۳ درکتابخانهٔ این انستیتو برخورد . برطبقِ فهرستی که درابتدای این‌مجموعه افزوده شده ۳۲ رساله و کتاب‌و قصیده و… در متن وحاشیهٔ آن نوشته‌شده‌است. در صفحات b ۷۷ تا a ۸۱ همین مجموعه، رساله‌ای‌است با این‌عنوان «کتابِ منتخبات تحفة‌الغرائب از جمع‌کردهٔ محمدبن ایوب‌الحاسب» .

→

است رهنمون می‌شوم. اطلاعاتی که دربارهٔ محمدبن ایوب‌الحاسب‌الطبری مذکورافتاد ازمقدمهٔ محقّقانهٔ ایشان برکتاب مفتاح‌المعاملات نقل شده‌است .

[۲] – فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، مجلد ۸، نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤/۲ ؛ مجلد ۹ ، نسخهٔ شمارهٔ ۲۱٦۰/٤ .

کتابهای دیگری نیز به‌نام تحفة‌الغرائب موجوداست که باکتاب موردبحث در این‌مقاله ارتباطی ندارد . ازآن‌جمله‌است «تحفة‌الغرائب (اقلیم اول)، جزء دوم» درمجموعه‌ای بشمارهٔ ۲۲۲۸/۲ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ایران (رک. دفتر پنجم نسخه‌های خطی ، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۸۹) و نیز کتابهای دیگر بدین‌نام و با متمم‌هایی متفاوت نظیر «تحفة‌الغرائب فی‌عجائب‌المخلوقات» که‌در الذریعة، الجزء‌الثالث، ص٤٥٦ تا ٤٦۲ بآنها اشاره گردیده‌است . ازدوست فاضلم آقای احمد گلچین‌معانی سپاسگزارم که‌این‌اطلاعات‌را دراختیار بنده قراردادند . آقای احمد منزوی ، تحفة‌الغرائب محفوظ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی بشمارهٔ ۲۲۲۸ را که تقسیم‌بندیِ فصول و ابوابش براساس «اقلیم» و «جزء» است ، و با تحفة‌الغرائب بیست‌وهفت‌بابی مورد بحث تطبیق نمی‌تواندکرد، در «فهرست نسخه‌های خطی فارسی»، جلد یکم، ص٤٦۳ درزمرهٔ نسخه‌های تحفة‌الغرائب موضوع این‌مقاله معرفی کرده‌اند،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در فهرست نسخه‌های خطی انستیتوی شرق‌شناسی تاشکند تاریخِ کتابتِ این رساله سال ۷٤٥ ﻫ . و تاریخِ کتابتِ بقیهٔ رسالاتِ این مجموعه بین سالهای ۷٤٥ تا ۷۹۱ ذکر شده‌است . ولی چون تاریخ ۷٤٥ را در پایان‌کتاب منتخبات تحفة‌الغرائب نیافتم ، این‌مطلب‌را با آقای آرون بایف دانشمندِ محترم عضواین‌انستیتو که‌نگهداریِ بخشی ازنسخه‌های‌خطی نیز باایشان‌بود، درمیان‌گذاشتم. ایشان پس‌از مراجعه به‌دست‌نویسِ فهرستِ نسخه‌های خطی به‌بنده جواب دادند که متصدیِ این‌کار نیز نخست در یادداشتهای خود نوشته‌است مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۱۳ تاریخ کتابت ندارد ، ولی بعد هم‌او سال ۷٤٥ را بعنوان تاریخ کتابتِ این‌مجموعه بر یادداشتِ قبلیِ خود افزوده است و چنین می‌نماید که تهیه‌کنندهٔ فهرست ، این تاریخ‌را درپایانِ یکی از رسالاتِ مجموعه دیده‌است . قرارشد ایشان نظرِ تهیه‌کنندهٔ فهرست را ــ که در آن هنگام از تعطیلاتِ تابستانی استفاده می‌کردند ــ دراین‌باب برایم بنویسند .

وجودِ صفحاتی چند از یکی‌دیگر از آثارِ محمدبن ایوب الحاسب ، دانشمندِ بنامِ قرنِ پنجمِ هجری که‌تاکنون‌ازوی نُه‌کتاب ورساله درریاضی ونجوم درفهرست کتابخانه‌های عمومی وخصوصیِ جهان معرفی گردیده ، وفقط برخی ازآنها بچاپ رسیده‌است ، نویسندهٔ این‌سطوررا برآن‌داشت که «کتابِ منتخبات تحفة‌الغرائب» را در تاشکند بدقت بخواند . و چون در طرزنگارشِ این‌کتاب نشانه‌هایی از زبان فارسیِ قدیم را یافت، درصدد برآمد که میکروفیلمی ازاین‌صفحات فراهم کند . ولی بقراری که به‌بنده گفته‌شد بخشِ تهیهٔ‌میکروفیلم در مردادماه تعطیل بود وبدین‌جهت تهیهٔ‌آن میسرنگردید . بعلاوه چون کاغذِ این نسخه بسیار نازك و شکننده بود ، متصدیانِ محترمِ کتابخانه، بحق، دربابِ حفظ ونگهداریِ آن احتیاط بسیار می‌کردند. بناچار ازرئیس محترمِ انستیتو، سرکارخانم عظیم‌جان‌اوا

خواهش‌کردم اجازه دهند ازهمین‌صفحات درکمال دقت، خود استنساخ کنم، خوشبختانه این‌تقاضا پذیرفته‌آمد - اینجا فرصتِ مناسبی‌است برای عرض تشکر از ایشان و همه‌کسانی‌که درکتابخانه‌های جمهوریهای مختلفِ اتحاد جماهیر شوروی جهت مطالعاتِ بنده تسهیلاتِ لازم فراهم ساختند.

چنانکه مذکورشد نسخهٔ کتاب تحفةالفرائب کاملاً سالم نیست . و بخصوص حاشیهٔ صفحات‌آن بیشتر آسیب دیده‌است. بهمین جهت قراءتِ این‌کتاب که همه درحاشیهٔ صفحات نوشته‌شده‌است وقسمتهای محوشده و لایقرء در آن کم‌نیست بسادگی میسر نمی‌شد . مع‌هذا با دقت نسخه را استنساخ‌کردم وقسمتهای محوشده‌را با چندنقطه مشخص ساختم .

آغاز و انجامِ نسخهٔ تاشکند بدین‌قراراست :

آغاز : «کتابِ منتخباتِ تحفةالفرائب از جمع‌کردهٔ محمدبن ایوب الحاسب. چون سر بمغناطیس بمالد آهن‌را بخویشتن بکشد و چون بسرکه بشویند اصلاح (ظ.بصلاح) بازآید وچون زیت اندرومالد آهن‌را ازخویشتن در... کند بمقدار کشیدن وچون... یا بسرکه بشویند بصلاح بازآید...»

انجام :«نسخهٔ مرکب بگیرد مازو سبزناسفته سه‌درم و...کند و بیست درم آب در... کند ونیك بجوشاند وآنکه بپالاید و... صمغ عربی خالص در میانِ این‌آب... کند و دومثقال زاج‌سبز نیکو بساید... هشت‌درم آب بگدازد وبپالاید ودر... مازو کند ودیگر... لایذ... خواهد قدری نمك طبرزد و نبات باره... کند که نیکوتر بود والله والحمد لله رب‌العالمین.»

پس‌ازمراجعت‌به‌ایران نخست درصددبرآمدم نسخه‌های‌خطیِ تحفةالفرائب را درکتابخانهٔ‌مرکزی دانشگاه تهران مطالعه‌کنم. آقای ایرج‌افشار استاد دانشکدهٔ ادبیات‌وعلوم‌انسانی ورئیس‌کتابخانهٔ‌مرکزی‌دانشگاه‌تهران، و آقای محمدتقی دانش‌پژوه استاد دانشکدهٔ ادبیات وعلوم‌انسانی دانشگاه

تهران ، که همواره یار ومددکارِ همهٔ علاقه‌مندان به‌کتابند ، مرا نیز یاری کردند و بدین طریق از نسخه‌های خطی تحفةالغرائب کتابخانهٔ مرکزیِ دانشگاه تهران عکس گرفتم. سپس به‌مقابلهٔ دونسخهٔ تحفةالغرائب مضبوط در تهران بانسخهٔ منتخباتِ تحفةالغرائبِ تاشکند پرداختم . نتیجهٔ این مقابله بر بنده روشن‌ساخت که کتاب منتخبات تحفةالغرائب از جمع‌کردهٔ محمدبن ایوب‌الحاسب با نسخه‌های دوگانهٔ «تحفةالغرائب» تهران که نامِ مؤلفش نامعیّن‌است ارتباط نزدیك دارد. درمقابلهٔ این سه‌نسخه باعباراتِ بسیاری مواجه شدم که تقریباً درآنها اختلافی بچشم نمی‌خورد .

بعلاوه روشن‌گردید که دو نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزیِ دانشگاه تهران ظاهراً متن کاملِ تحفةالغرائب‌است. چون این‌موضوع‌را بااستادعلامه جناب آقای مجتبی مینوی، که همواره از راهنمایی‌های ایشان بهره‌مند می‌گردم ، درمیان‌نهادم، ایشان مرا به‌نسخهٔ دیگری‌ازکتابِ تحفةالغرائب که‌درکتابخانهٔ شرقی موزهٔ بریتانیاست، رهنمون‌شدند. خوشبختانه میکروفیلمِ این‌نسخه نیز قبلاً بتوسطِ خودِ ایشان برای کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران تهیه شده‌بود. میکروفیلم وعکسِ این‌نسخه را هم درکتابخانهٔ مرکزی دانشگاهِ تهران یافتم وعکسی ازآن نیز بدست آوردم.

بدین‌ترتیب اکنون ازکتابِ تحفةالغرائب و منتخبات‌آن چهارنسخه دراختیارِ این‌بنده‌است بدین‌شرح :

۱ـ منتخبات‌تحفةالغرائب ازجمع‌کردهٔ محمدبن ایوب‌الحاسب مکتوب بسال ۷٤٥ هجری، مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۱۳ کتابخانهٔ انستیتو شرق‌شناسی تاشکند، درحاشیهٔ صفحات b ۷۷ تـا a ۸۱.

۲ـ تحفةالغرائب احتمالاً مکتوب در قرن هفتم یا هشتم هجری ، مجموعهٔ شمارهٔ ۱۳٥٤ کتابخانهٔ‌مرکزی دانشگاه تهران، ازصفحهٔ b ۲۷ تا b ۵۸، بی ذکرِ نامِ مؤلف وکاتب.

۳- تحفة‌الغرائب مکتوب درسالهای ۸۱۳ و ۸۱٤ هجری ، مجموعهٔ شمارهٔ Add. 27,261 کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، درحاشیهٔ صفحات b ۳۰۲ تا a ۳۲۲. بی‌ذکرِ نامِ مؤلف . این‌مجموعه برای جلال‌الدین اسکندربن عمر شیخ، نوهٔ امیرتیمور، کتابت‌شده‌است .

٤- تحفة‌الغرائب احتمالاً مکتوب در قرن نهم هجری، مجموعهٔ‌شمارهٔ ۲۱٦۰ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، از صفحهٔ b ٦۷ تا b ۹٦ ، بی‌ذکرِ نامِ مؤلف وکاتب .

بعقیدهٔ بنده با تصریحی که در نسخهٔ تحفة الغرائب تاشکند به‌نامِ مؤلفِ آن « محمدبن ایوب الحاسب » شده‌است ، دلیلی وجود ندارد که در انتساب نسخهٔ منتخبات به‌محمدبن ایوب حاسب طبری[3] تردید روا داریم. گرچه موضوع «تحفة‌الغرائب» باآثارِ دیگرِ این‌دانشمند که درریاضی و نجوم‌است بی‌ارتباط می‌نماید . ضمناً اسلوب نگارش منتخباب تحفة الغرائب و متنِ کاملِ تحفة‌الغرائب نیز مؤید این امراست که کتابِ مورد بحث در ردیف آثار کهنِ زبان فارسی‌است. بعلاوه درنسخهٔ موزهٔ بریتانیا یك‌قرینه نیز برطبری بودنِ مؤلفِ کتاب وجوددارد که بنظرِ بنده بسیار قابل‌توجه‌است، وآن عبارتی‌است که در فصل بیست‌وچهارم (در پیداکردنِ عجائب‌البر) بدین‌شرح آمده‌است :

«دیگر بطبرستان وگیلان چوبی‌هست که بزبان طبری ممرز[4] خوانند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

---

[3] نام این‌دانشمند در آثار دیگرش بصورتهای زیرین نوشته شده‌است: ابوجعفر محمد ابن ایوب‌الحاسب‌الطبری، محمدبن ایوب‌الحاسب‌الطبری، محمدبن ایوب‌الطبری ، شمس‌الدین محمدبن ایوب مازندرانی. رك. مقدمهٔ «مفتاح‌المعاملات» صفحهٔ شش .

[4] این‌کلمه در واژه‌نامهٔ طبری تصحیح استاد محترم آقای دکتر صادق کیا، با املای «ممرض» (بفتح‌اول‌و سکون ثانی‌وکسرثالث) ضبط شده‌است. آقای‌دکترکیا خود افزوده‌اند این‌کلمه اکنون بصورت «میمرز» mimraz و «ممرز» memraz بکارمی‌رود. ص۱۹٦ ؛ درکتاب

←

یا چوب روشنایی. چون‌خشك‌شود درشب ِ تاریك چون‌چراغ همی‌فروزد.»

اگر مؤلف‌کتاب، خود طبری نبود، امکان‌داشت که‌نام ِ چوبی‌را به‌زبان طبری درکتاب ِخود ذکرکند؟ البته تصـدیق می‌فرمایید ذکر ِنام ِ چیزی به زبان طبری دراین‌کتاب قابل‌قیاس یا ذکرنام ِداروها و امثال‌آن به‌زبانهای یونانی وعربی دراین‌نوع کتابها نیست .

موضوع دیگر آنست که عبارات ِمشترکی در منتخبات ِ مورد بحث و سه‌نسخهٔ تحفة‌الغرائب نیز وجود دارد که نشان می‌دهـد منتخبات تحفة الغرائب ازجمع‌کردهٔ‌محمدبن ایوب‌الحاسب مضبوط درتاشکند بانسخه‌های تحفة‌الغرائب کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران و موزهٔ بریتانیا، انگلستان از یك‌اصل‌است . ازآن‌جمله‌است عبارات ِزیرین که ازمنتخبات تحفة‌الغرائب تاشکند و نسخهٔ شمارهٔ ١٣٥٤ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران انتـخاب گردیده‌است :

منتخبات تحفة الغرائب :

«اگر بوره درجایی‌کند وپس سرکه درو [ر]یزند دروقت بجوش آید بی‌آتش . چون نیلوفر بسایه خشك کنند و آنکه... نهند آتش اورا نسوزد . هـر... طلق و خطمی‌وگل‌سرخ هرسه بر... خویشتن اندايد آتش اورا زیان نکند . چون‌مصروع زمرد باخویشتن... سوددارد.»

نسخهٔ شمارهٔ ١٣٥٤ تهران :

«اگر بوره‌را درجایی ریزند وپس سرکه درووریزند دروقت بجوش‌آید

→
درختان و درختچه‌های ایران، تألیف آقای دکتر حبیب‌الله ثابتی‌این‌کلمه‌بـا ضبط « ممرز » mamraz آمده‌است.مؤلف‌کتاب ضمن‌برشمردن‌نامهای محلی‌این‌درخت درنواحی‌مختلف جنوب دریای خزر، استعمال کلمهٔ «ممرز» را خاص مازندران دانسته‌اند . صفحات ٦٩ و ٧٠ .

بی‌آتش . چون نیلوفر بسایه اندر خشك‌کنند وآنگه برآتش نهند آتش آنرا نسوزاند. دیگر هرکه طلق با خطمی وگل‌سرخ برخویشتن اندايد آتش برو کارنکند ونسوزاند . دیگر چون مصروع زمرد با خویشتن دارد سود دارد خاصه کسی‌را که خون‌ریز(؟)شود بهتر ونیکوتر بود.»

منتخبات :

«اگر موی سگ سیاه برمصروع آویزد صرع‌را بنشاند.»

نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ :

«اگر موی سگ سیاه بر بازوی‌مصروع آویزند صرع ازوی بازدارد.»

منتخبات :

«چون قطران شافه‌کنند وبخود برگیرند کدودانه وکرمها که درشکم بود ، بمیرد.»

نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ :

«چون قطرانرا شیافه کنند و بردارند کدودانه‌را و کرمهایی که در شکم بود بکشد.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منتخبات :

«چون کرپاسه زنده‌را درزگویی سیاه بندند وبرشتهٔ سیاه از کسی درآویزند که اورا تب پیوسته بود یعنی... تب ازوبارد (ظ.بازدارد).»

نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ :

«چون کرپاسهٔ زنده دررگو بندند سیاه و برشتهٔ سیاه ازکسی درآویزند که تب پیوسته‌گیرد یعنی هرروز آن‌تب ازو بازدارد.»

با مطالعهٔ شواهدی که‌نقل‌شد این حقیقت روشن می‌گردد که مؤلفِ هرسه نسخهٔ تحفة‌الغرائب همان محمدبن ایوب‌الحاسب مؤلفِ منتخبات تحفة‌الغرائب‌است .

با توجه به‌مطالبی که مذکور افتاد اینک یکی دیگر از رسالات منثورِ زبان فارسی متعلق به‌قرن‌پنجم هجری که تألیف یکی ازدانشمندانِ بزرگِ ایران ـ محمدبن‌ایوب حاسب‌طبری ـ است برای‌نخستین‌بار به‌علاقه‌مندانِ آثارِ کهنِ زبان‌فارسی و اهل ادب معرفی می‌شود. کتابی که تا بحال از آن اطلاعی کامل نداشته‌ایم و در فهرستها نیز به‌نام مؤلفِ آن اشاره‌ای‌نگردیده بوده‌است و بدین‌جهت تاریخِ تألیف‌آن نیز تاکنون‌مبهم بوده‌است . بعلاوه تاآنجا که بنده بیاددارد درزمرهٔ آثارِ محمدبن ایوب حاسب طبری نیز نامی ازاین‌کتاب برده نشده بوده‌است .

* * *

اکنون پس از ذکرِ این‌مقدمه باختصار به‌معرفیِ این‌کتاب می‌پردازد :

کتاب با مقدمهٔ کوتاهی که در هرسه نسخهٔ تحفةالغرائب با جزئی اختلاف آمده‌است آغاز می‌شود:

«حمد و سپاس پادشاهی‌را که عجایب صنعِ او بسیار، و غرایبِ خلقِ او بی‌شمارست . ذرات موجودات و انواع مخلوقات را او آفریدگار و نمایندهٔ صنع خود درسیار وطیار، ودرود وصلوات بررسولِ مختار محمد وآله‌الابرار .

اما بعد بدان‌که این کتاب فراهم آورده‌است از سخنانِ حکما و فیلسوفان وسیاحانِ جهان‌گرد و روندگان در بیان تحف[و]غرایب ولطف و عجایب و عِلمهای غریب و خواص عجیب که دهاة و زیرکان دیده‌اند و دانسته و آزموده و آنچه که [از] نقل بدیشان رسیده‌است ذکر کرده وبه‌تحفةالغرائب موسوم گردانیده مشتمل بر بیست‌وهفت باب.»

سپس نامِ ابوابِ کتاب آمده‌است. در تعدادِ ابواب و نیز عنوان‌ابواب اختلافاتی در نسخه‌های سه‌گانه بچشم می‌خورد . در نسخهٔ موزهٔ بریتانیا، درفهرست‌کتاب ـ پس‌از مقدمه ـ نام ۲۸ باب ذکر شده‌است ولی در دو

نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران در فهرست کتاب فقط به۲۷ باب اشاره‌گردیده‌است. نکتهٔ گفتنی آنست که‌درمتن تحفة‌الغرائب موزهٔ‌بریتانیا باب‌آخر، باب بیست‌وهفتم است – نه باب ِبیست‌وهشتم – که عنوانش «در شناختن ِطلسمات ِچابك و لطیف»است – و با عنوان ِباب بیست‌وهفتم در فهرست همین‌نسخه«دراصول ِشناختن ِطلسمهای‌چابك ولطیف» یکی‌است. بدین‌جهت باآنکه ریو درفهرست نسخه‌های خطی فارسی موزهٔ بریتانیا ، تحفة‌الغرائب را در ۲۸باب معرفی کرده‌است باید آنرا نیز مانند دونسخهٔ دیگر ِتهران دارای ۲۷ باب بدانیم، این اشتباه درفهرست ابواب اول تانهم نسخهٔ موزهٔ بریتانیا روی‌داده‌است. بعلاوه این‌موضوع نیز درخور ِیادآوری اهمیت که عنوان ِ چندباب از ابواب ِنخستین درنسخهٔ شمارهٔ۱۳۵٤ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران بامتن ِآن ابواب تطبیق نمی‌کند، یعنی مطالب مندرج در این‌بابها با عنوان ِ آنها مطابقت ندارد .

اینست فهرست ابواب ِکتاب [تحفة‌الغرائب بر اساس نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران :

« باب اول: در آفرینش ِحیوانات مختلف .

باب دوم: در خواص چیزهای مختلف.

باب سیوم: در خواص چیزها که ازشکلها خیزد .

باب چهارم: درخاصیت ِآن‌چیزها که از بویها خیزد .

باب پنجم: درخاصیت ِ چیزها که از مزیدن خیزد .

باب ششم: در برآمیختن ِ مدادها و نبشته‌های ظریف نمودن .

باب هفتم: در پاك‌کردن ِ رنگها وآلایشها ازجامه‌ها وفرشها .

باب هشتم: درخاصیت ِآن‌چیزها که از دیدار خیزد .

باب نهم: در حیلتهاکردن که دزد بشناسند وبگیرند .

باب دهم: درنمودن ِ بازیها ونیرنگهای لطیف وچابك .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

باب یازدهم: در حیله‌های گرفتنِ جانورانِ بری و بحری.
باب دوازدهم: در شناختنِ حیله‌ها که‌مردمانِ پری‌داررا بکارآید.
باب سیزدهم: در سنگهاشکستن و رسنهاگسستن وآهن دریدن.
باب چهاردهم: در افروختنِ آتشهای لطیف و آنچه تعلق بدو دارد.
باب پانزدهم: در جستنِ فوایدِ شرابهاخوردن و می‌زدگی‌ها.
باب شانزدهم: در جستنِ آسایش از خمار ومی‌زدگی‌ها.
باب هفدهم: در دوستیها نمودن و مهر دردل‌افگندن.
باب هژدهم: در کارهای مباشرت وجستنِ قوتهاً.
باب نوزدهم: در دانستنِ دوشیزه وحامله وچارهٔآن.
باب بیستم: درشناختنِ عجایبها وبازیهای‌چابك در مجلس‌ها.
باب بیست‌ویکم: درشناختنِ عجایبهای دنیا.
باب بیست‌ودوم: در پیداکردنِ عجایب‌البحر.
باب بیست‌وسیوم: در پیداکردنِ عجایبِ نهر.
باب بیست‌وچهارم: در پیداکردنِ عجایب‌البرّ.
باب بیست‌وپنجم: در پیداکردنِ عجایب‌الجبل.
باب بیست‌وششم: در پیداکردنِ عجایب‌البلد.
باب بیست‌وهفتم: در اصولِ شناختنِ طلسمهای چابك ولطیف.»

درنسخهٔ تاشکند مقدمه وفهرست ابواب مذکور نیست، ومطالب‌نیز بی‌توجه به‌تقسیم‌بندی اصل‌کتاب وذکرعنوان یا شمارهٔ باب درپیِ هم نوشته شده‌است.

موضـوع دیگر آنست که از سـه‌نسخهٔ تحفة‌الغرائب، فقط نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۵٤ کتابخانهٔ مرکزی‌دانشگاه‌تهران ازنظر احتوای‌مقدمه وفهرست وبیست‌وهفت‌باب کـامل‌است. زیرا درنسخهٔ موزهٔ بریتانیا درحـدودِ دو

ثلثِ آخر بابِ پنجم وتمامِ بابهای ششم، هفتم ، هشتم و نهم و در حدودِ نیمی ازباب دهم، ودرنسخهٔ شمارهٔ ٢١٦٠ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران نیز ازاوایلِ بابِ‌سوم تا حدودِ نیمهٔ‌اول باب‌بیست‌ویکم ساقط‌است که‌به‌این افتادگی‌ها درفهرستهای مربوط اشاره‌ای نگردیده‌است .

مطلبِ دیگری که دربارهٔ این سه‌نسخه بایدگفت آنست که در مقدمهٔ کتاب و فهرستِ ابواب وبابهای اول و دوم این‌سه‌نسخهٔ‌خطی تقریباً اختلافی مهم بچشم نمی‌خورد. فقط گاهی یکی‌دوعبارت مستقل ، یك نسخه نسبت به‌نسخه‌های‌دیگر اضافه‌یاکم‌دارد. ولی‌درابوابِ آخرِ کتاب دراین سه‌نسخه اختلافاتِ بیشتری مشهوداست . در نسخهٔ موزهٔ بریتانیا و نسخهٔ شمارهٔ ٢١٦٠ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران مطالب‌بسیاری نسبت‌به‌نسخهٔ‌شمارهٔ ١٣٥٤ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران موجوداست، بطوری‌که اگر قرارباشد ابوابِ آخرِ نسخه‌هارا ملاكِ مقایسه قراردهیم، می‌توان‌گفت نسخهٔ شمارهٔ ١٣٥٤ دراین‌قسمت‌ها ، برگزیده‌مانندی‌است از ابوابِ نسخه‌های موزهٔ بریتانیا ونسخهٔ شمارهٔ ٢١٦٠ . بعلاوه متنِ دونسخهٔ خطی کتابخانهٔ‌مرکزیِ دانشگاه تهران نیز کاملاً بایکدیگر تطبیق نمی‌کند زیرا عباراتی درهریك از این‌دو می‌توان‌یافت که در دیگری نیست .

موضوع دیگر آنست که در منتخباتِ تحفة‌الغرائب تاشکند مطالبی هست که در هیچ‌یك از سه‌نسخهٔ تحفة‌الغرائب ازآنها اثری دیده‌نشد . ازآن جمله‌است نسخهٔ داروهای ترکیبی – در چندمورد به‌زبانِ عربی‌است– که در پایانِ نسخهٔ منتخبات‌آمده‌است، ونیزعباراتی که‌ذیلاً به‌برخی از آنها اشاره‌می‌شود :

«چون سر بمغناطیس بمالد آهن‌را بخویشتن بکشد وچون بسرکه بشویند باصلاح (ظ.بصلاح) بازآید. وچون زیت‌اندرومالد آهن‌راازخویشتن

در... کند بمقدار کشیدن و چون... یا بسرکه بشویند بصلاح بازآید. سنگی دیگر هست که‌اورا سنگ‌الجره(؟) خوانند فراز سیم‌دارند، سیم‌را بخویشتن کشد. سنگی دیگر هست... را... خوانند چون مردم اورا باخویشتن دارند خوابش(؟)نگردد البته. سنگی‌دیگر هست که‌آنرا حجرالذهب خوانند چون فرازدارند زر بخویشتن‌کشد. سنگی دیگر هست که اورا حجرالشعرخوانند فراز موی‌دارند موی بردارد...»

«جمست که باخویشتن دارد ازچشم بد ایمن باشد. وگر جمست در طاسی افگنند ودرآن طاس می‌خورند مستی نکند...»

«اگر گوگردرا زیر درخت ترنج دودکنند [تر]نج جمله بریزد وبیفتد.»

بدین جهت می‌توان‌گفت شاید ازکتاب تحفة‌الغرائب یا تحریرهای مختلفی موجود بوده‌است که‌هریك از سه‌نسخهٔ خطی مذکوردرفوق ازروی یکی ازآنها نگاشته‌آمده‌است، ویا آنکه تحفة‌الغرائب تحریر واحدی داشته است، اما هریك ازکاتبان قسمتهایی ازآنرا بسلیقهٔخود انتخاب واستنساخ کرده‌اند وفقط درنسخهٔتاشکند به«منتخبات» بودن‌آن اشاره‌ای رفته‌است.

* * *

معرفی «تحفة‌الغرائب» بی‌اشاره به‌اسلوب نگارش ونیز اختصاصات زبان‌آن ناقص‌می‌نماید، وبدین‌جهت‌به‌برخی ازآنهادر کمال اختصار ذیلاً اشاره‌می‌کند:

۱- کهنگی عبارات:

«دیگر اگر مداد برجامهٔ دبیران افتد وخواهند که پاك کنند، سرکه ترش ببایدگرفت و اشنان درست بدو اندر بجوشانیدن، و جامهٔ آلوده بدو اندرزدن و بیفشاردن وآنگه بآب صابون بشستن.» (از باب۸).

«دیگر اگر خواهند که روغن چراغ از جامه پاك‌کنند و پاره کنجارهٔ

کتان‌را بآب‌گرم تر بایدکردن و برجامه اندودن و ساعتی ایستادن پس بآب گرم وصابون بشستن.» (ازباب ۸) .

«دیگر اندرکوههای عراق چاهی‌است سخت دور و ژرف فروکنده چنانکه کس پایان آن چاه نه‌بیند. و چون رود زن بسر آن چاه رَوَد ، رُود زدن گیرد، ازآن چاه آوازهای سرود برآمدن‌گیرد.»(ازباب ۲۵)

۲– استعمال وجه مصدری :

«دیگر چون تذروان بیك‌بار بانگ بردارند، آن‌بود که زلزله خواهد آمدن بعدازبانگ.» (ازباب ۳) .

«دیگر الماس هم ازجمله سنگهاست. عقاب اورا بردارد و در آشیانهٔ خود نهد تا هرجانوری که آنرا بیند گردِ آشیانهٔ او نیاردآوردن (ظ.آمدن) وعقاب ایمن‌باشد ازبهر بچگان.» (ازباب ٤)

۳– مفعول بواسطه (متمّم) با دوحرفِ اضافه :

«دیگر به‌رودِ نیل اندر جایگاهی‌است که‌هرسال یك‌روز جمله‌ماهیانِ آن‌رود بدان‌جایگاه گردآیند.»(ازباب ۲۳)

٤– استعمال کلماتی نظیر «پاك»، «نیکو» ، «سخت» برای قیدکیفیّت :

«آن‌سنگ برخویشتن بندد. آن‌سنگ آن‌آب **پاك** بخویشتن کشد . چون خواهند که‌آن‌سنگ‌را بیازمایند که **نیك**‌کارگرست یا نه، باید که... » (از باب۲) .

«البته که‌آن **سخت** زبان‌دارد.» (ازباب ۱۸)

٥– جمع بستنِ جمعهای مکسر عربی :

«درشناختنِ **عجایبها** وبازیهای چابك درمجلس‌ها.» (ازفهرست)

«از هرشش‌نوع آنچه یافته هم و تجربت‌کرده در**کتبهای حکمای** ماتقدم ومتأخر جمله یافته...» (از باب اول)

۶- بکاربردنِ «می» پیش از فعل امر :

«وهر کس را پیش میخوان وآن آرد کـه دارد درآن سـر که بفرمای ریختن تا...» (ازباب ۹)

۷- استعمال یاء مصدری بعداز کلمات عربی :

«و درآن معنی کتـابهای مفرد ساخته انـد لیکن بناچار از بهر جامعی این کتاب، نوعی چند یادکنم.» (ازباب ۲۷)

۸- استعمالِ «همی» بجای «می» :

«وهر که آن سنگ برگیرد ودرخانه نهد، موشـان همه فراز آن سنگ گردآیند ومردم همی گیـرند و می کُشند و ایشان از آنجا دور بشونـد و همی باشند و...» (ازباب ۲٤)

۹- استعمال باء تأکید پیش از «می» :

«اگر خواهنـد که چنان نمایند که آهن بمی شکنیم و نعـل بمی دریم باید که ماح هندی بگدازند وبآب گرم برآهن اندایند...» (ازباب ۱۳)

۱۰- بکاربردنِ فعلهای پیشوندار :

اندردمیدن، اندرریختن، بازافگندن، بازایستادن، برآمدن (دندان-)، برآمیختن، برآوردن، برافروختن، بربستن، برداشتن، برکشیدن، برنگاشتن، درآویختن، درافتادن ، درمالیدن ، فرودآمدن ، فرودآوردن ، فرورفتن ، فروریختن ، فروشدن ، فروهشتن .

۱۱- برخی ازلغاتِ کهنه وقابل ملاحظه :

مزیدن، آلایش ، پری دار ، می زدگی ، پرستنده (= خادم) ، زندگی ، پایندگی ، بالندگی ، پرورش ، رونده ، پرنده ، خسنده ، زایندگان ، خایه‌کنندگان ، برخیزندگان ، باهول ، شکم راندن ، شب یار (= شب پره . این کلمه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در فرهنگها با زا، بصورتِ شب‌یازه ضبط شده‌است)، گیاه‌خوار، دانه‌خوار، گوشت‌خوار، گمیز کردن، رگو، فرازآمدن، شب کوری، سپرز، پلیدی (=چرك)، میرانیدن، شاهسپرم، دوشیزه (دختر -)، سُرو ، باشگونه ، دده، ددگان، خنب، سنب، تب چهارم، ریزانیدن، خاییدن، زور کردن، نیرو کردن، پلیته، آب‌پشت، بوی‌افزارها، نیم‌برشته ، رودگانی ، باربرداشتن ، آرزو کردن ، اشترمرغ، خایه، خایه‌کردن، خایه‌نهادن، پول (= پُل) ، کپی ، شکارگر ، سنجیدنی، پیمودنی، سختن، ریگ مثانه، پالودن، تبش، چربش، شایستن ، ژاله، تگرگ، شکنجه، نیم‌روز ، سرشتن ، گواردن .

موضوعی که درپایانِ این مقاله باید بعرض برساند، آنست که نثرِ تحفة‌الغرائب از نظرِ اسلوبِ نگارش کاملا یکنواخت نیست و برخی از نشانه‌های نثرهای متأخرتر نیز درآن مشهوداست مانند استعمالِ برخی ازکلماتِ عربی ویاجمع‌های عربی. ازآن‌جمله‌است مقدمهٔ کتاب که‌درصفحات قبل نقل گردید. ونیز ازهمین‌نوع‌است استعمالِ کلماتی نظیر: نفع وِ ضر ، اشجار ، معادن، خواص، عجائب، غرائب، راغب، ریاحین، مفعوله، فاعل ، ساکن، متحرك، غربا، اصحابِ طلسمات .

دیگر استعمالِ حرفِ اضافهٔ «در» دربسیاری ازموارد، گرچه بارها صورت «اندر» نیز درهمین کتاب بکاررفته‌است .

به‌این مطالب استعمالِ کلماتِ مترادف را باید افزود مانند: نبات و اشجار، پرستنده و خادم، دروقت و درزمان ، مطیع و فرمانبردار ، مشفق ومهربان، کارزار وجنگ ، بانگ وافغان .

چون نسخه‌های‌موجودِ تحفة‌الغرائب همه ازقرن هفتم هجری ببعد کتابت‌شده‌است ونسخهٔ کهنه‌تری ازآن دردست نداریم ، معلوم نیست اختصاصات آخیر- که به‌بعضی ازآنها اشاره‌شد - تا چه‌حد در متنِ اصلی کتاب بوده‌است وتا چه‌اندازه معلولِ دخالتِ کاتبان‌است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب مورد بحث علاوه بر آنکه از نظر زبان فارسی و مطالعهٔ دستور زبان و لغات کهنهٔ آن قابل ملاحظه است از جهت تاریخ علم ، برخی از عقاید خرافی مردم روزگاران قدیم و اطلاعاتی دربارهٔ بازیها، سرگرمی‌های معمول در آن عصر و امثال آن درخور عنایت و توجه است. نویسندهٔ این سطور کتاب تحفة الغرائب را بر اساس نسخه‌های موجود تصحیح کرده و برای چاپ آماده نموده است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی